

نبض اقتصاد
را در دست بگیرید

چهارسوت

فک محاصره

چرا اهداف ترامپ برای محاصره دریایی ایران عملیاتی ناممکن است؟



رزمایش سراسری ایرانیان

اجتماع عظیم اقتدار ملی و رزمایش سراسری «جان فدا برای ایران امام رضا» روز گذشته همزمان با میلاد امام هشتم در سراسر ایران برگزار شد





بهره بانکی ۳۳ میلیارد دلاری روی دوش کشاورزان آمریکایی

محمدحسین کشاورزی

کارشناس اقتصاد کشاورزی

افزایش بی سابقه ورشکستگی مزارع در ایالات متحده طی سال ۲۰۲۵، فراتر از یک بحران اقتصادی، سندی برشکست سیاست‌های تهاجمی دولت ترامپ است؛ جایی که «اتشی تحریم و جنگ» به انبار غله آمریکا بازگشته و کشاورز آمریکایی را قربانی ماجراجویی‌های واشینگتن کرده است.

در حالی که دستگاه تبلیغاتی کاخ سفید از بازگشت اقتدار اقتصادی سخن می‌گوید اما آمارهای رسمی فدراسیون دفتر کشاورزی آمریکا (AFBF) روایتگر حقیقتی تلخ و گزنده است. ثبت ۳۱۵ پرونده ورشکستگی سنگین در سال ۲۰۲۵، نه فقط جهشی ۴۶ درصدی را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد، بلکه مهربانانی بر شعارهای حمایت از تولید داخلی در دولت ترامپ است. این بحران که اکنون به سومین سال پیایی صعودی خود رسیده، نشان دهنده یک «فروپاشی ساختاری» است؛ فروپاشی مزارعی که نسل در نسل، هویت روستایی آمریکا را تشکیل می‌داند و اکنون زیر چرخ‌نده‌های سیاست‌های غلط، به خاک سیاه نشسته‌اند.

پی‌داغ‌های ترامپ قربانی سیاست‌های وی

تحلیل دقیق نقشه توزیع ورشکستگی‌ها نشان می‌دهد که بحران دقیقاً در مناطقی متمرکز شده که کانون تولید غلات و البته پایگاه رای سنتی جمهوری خواهان هستند. «غرب میانه» (MidWest) ۱۲۱۵ مورد ورشکستگی، جهشی خیره‌کننده ۷۰ درصدی را تجربه کرده است. بلافاصله پس از آن، منطقه جنوب شرقی با رشد ۶۹ درصدی قرار دارد. این دو منطقه به تنهایی با بیش از دوسوم کل ورشکستگی‌های کشاورزی کشور را در برش می‌کشند. این تمرکز جغرافیایی تصادفی نیست. ایالت‌هایی مانند آیووا و نبراسکا که قلب تپنده تولید ذرت هستند، اکنون تاوان سیاست‌های تنش‌زای ترامپ در بازارهای جهانی را می‌دهند. دولت وی با صدور این‌تکمی می‌تواند با بازار تحریم و فشار حداکثری بر کشورهای مستقل، نظم بازار را با رفع خود تغییر دهد، عملاً زنجیره تأمین و بازارهای صادراتی کشاورزان خود را به مسلخ برد. زمانی که بازارهای جهانی بر اثر ماجراجویی‌های سیاسی ناامن می‌شوند، اولین ترکش‌ها به قلب مزارع خانواده‌گی کشاورز آمریکا اصابت می‌کند.

انفجار قیمت کود، ترکش‌های خودتحریمی در مزارع ذرت

اگر بخواهیم متهم ردیف اول این وضعیت را شناسایی کنیم، باید به سراغ بازار ناهادها برویم؛ جایی که «بومرنگ تحریم» مستقیماً به پیشانی تولیدکننده آمریکایی خوده‌است. قیمت کود «اوره که شران حیاتی مزارع ذرت است، بارشد ۸۷ درصدی از ابتدای سال، اکنون در مرز ۲۲۰ دلار در هر تن معامله می‌شود. این جهش جنون‌آمیز، نتیجه مستقیم تنش‌زای دولت آمریکا در مناطق انرژی خیز و اختلال در زنجیره تأمین گاز طبیعی (ماده اولیه کودهای نیتروژنی) است.

نزایندی در قلب قطب‌های کشاورزی آمریکا

برای کشاورز آمریکایی، این افزایش قیمت به معنای هزینه‌ای کمرشکن است. برآوردها نشان می‌دهد که هزینه تأمین نیتروژن برای هر هکتار نسبت به سال گذشته بیش از ۲ برابر شده است. در واقع، دولت ترامپ با دست‌کاری در نظم بازار جهانی برای ضربه زدن به ایران، عملاً رگ حیاتی مزارع خود یعنی نیتروژن را قطع کرده‌است. بسیاری از کشاورزان اکنون در دین بسنی مرمی‌گار گرفتار شده‌اند که با باید با کاهش مصرف کود ریسک سقوط محصول را بپذیرند یا با تغییر کشت به محصولات مثل سویا، ضرر مالی هنگفتی را متحمل شوند. این همان نقطه‌ی تدبیری است که از راه‌روهای کاخ سفید به دشت‌های ذرت سرایت کرده است.

تله‌بدهی ۶۴۴ میلیارد دلاری؛ میراث اقتصاد جنگ‌محور واشینگتن

بحران کنونی فقط در قیمت ناهاده‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه سندی بر دین بیست‌مالی در دولت ترامپ است. براساس پیش‌بینی‌های وزارت کشاورزی آمریکا (USDA)، مجموع بدهی بخش کشاورزی در سال جاری به‌رگز بدهی سابقه‌ی ۶۲۴ میلیارد دلار نخواهد رسید. این رقم نجومی نشان می‌دهد که کشاورزی آمریکا دیدگی پاس‌دواری‌رنده نیست، بلکه با اتفئس مصنوعی وام‌های بانکی «ادامه حیات می‌دهد؛ بدهی‌هایی که دیگر صرف‌توسعه نمی‌شوند، بلکه فقط برای تأمین هزینه‌های اولیه کاشت (مثل بذر و کود گران‌قیمت) صرف می‌شوند. دولت ترامپ با اولویت دادن به بودجه‌های نظامی و صرف میلیارد‌ها دلار مالیات‌بردم‌رای تأمین هزینه‌های جنگ‌افروزی و تحریم ملت‌ها و همچنین حمله به ایران، باعث حفظ نرخ بهره در سطوح بالا شده‌است. هزینه بهره بانکی ۳۳ میلیارد دلاری که در بردش کشاورزان سنگینی می‌کند، نتیجه مستقیم سیاست‌های پولی دولتی است که تورم را به‌بخش تولید‌نمیار کرده‌است. بانک مرکزی کانزاس سیتی گزارش داده که حجم وام‌های عملیاتی ۴۰ درصد رشد داشته‌است؛ این یعنی کشاورزان برای بقا، دارایی‌های نسلی خود را به حراج گذاشته و در تله‌ای گرفتار شده‌اند که خروج از آن تنها با اعلام ورشکستگی ممکن است.

نزایندی در قلب قطب‌های کشاورزی آمریکا

آنچه در لایه‌های زیرین این ورشکستگی‌ها در حال رخ دادن است، یک جابه‌جایی تمدنی و اقتصادی خطرناک است. ورشکستگی مزارع کوچک و متوسط، بهترین فرصت را برای شرکت‌های غول‌پیکر کشت‌وصعت (Corporate Farms) فراهم کرده تا زمین‌های کشاورزان را با قیمت ناچیز تصاحب کنند. دولت ترامپ با ایجاد این بحران مصنوعی، عملاً راه را برای انحصاری کردن سفره مردم آمریکا توسط کارت‌های مالی نزدیک به قدرت هموار کرده‌است. این انتقال مالکیت از مردم به شرکت‌های بزرگ، نه فقط بافت اجتماعی روستاهای آمریکا را نابود می‌کند، بلکه استقلال غذایی را نیز از بین می‌برد. کشاورزی که تا دیروز مالک زمین خود بود، امروز به کارگر مزدی صنعتی تبدیل شده‌است. این همان سرنوشتی است که سیاست‌های نئولیبرالی و تهاجم اقتصادی ترامپ برای مردم خودش رقم زده است؛ جهانی که در آن تولیدکننده خرد قربانی بازی‌های سیاسی کلان می‌شود.

بومرنگی که به قلب واشینگتن بازگشت

بحران کنونی در قطب‌های کشاورزی ایالات متحده، نمادی از شکست استراتژی «فشار حداکثری» است که این گریبان‌طراحانش را گرفته‌است. ورشکستگی‌های زنجیرهای سال ۲۰۲۵ نشان‌ده‌ه که امنیت اقتصادی و غذایی، موضوعی نیست که بتوان آن را فدای ماجراجویی‌های سیاسی در آن سوی مرزها کرد. دولت ترامپ با تصور اینکه می‌تواند با تحمیل جنگ و تحریم بر ملت‌های مستقلی چون ایران، نظم جهانی را به نفع خود تغییر دهد، عملاً ثبات مزارع خود را قربانی کرد. نزایندی مزارع آمریکا ثابت کرد که در دنیای به‌هم‌پیوسته امروز، هرگونه اختلال در زنجیره تأمین جابه‌بانه‌های سیاسی، مانند بومرنگی به سمت مبدأ بازی‌گرده‌د. اگر واشینگتن به جای اصلاح سیاست‌های تنش‌زای خود، همچنان به طبل جنگ‌افروزی بکوبد، سال ۲۰۲۶ شاهد فروپاشی کامل ساختار کشاورزی سنتی آمریکا و تبدیل شدن آن به یک سیستم کاملاً انحصاری و آسیب‌پذیر خواهد بود. مزارع آمریکا اکنون نه قربانی خشکسالی، بلکه قربانی «جنون قدرت» در کاخ سفید هستند؛ واقعیتی که هیچ ماشین تبلیغاتی قادر به کتمان آن نخواهد بود.

نیمض اقتصاد رادردست بگیرید

چهارسکوت

Charsogh newspaper

■ پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۴۸



ضد محاصره

چرا اهداف ترامپ برای محاصره دریایی ایران ناممکن است؟

گزارش

آمریکا از ۱۳ آوریل (۲۴ فرودین) اعلام کرد که ایران را تحت محاصره دریایی قرار می‌دهد و ترامپ بارها این محاصره را قوی و محکم خواند.

اما شرکت‌رهبیانی محموله‌های نفتی ورتکسا اعلام کرد که دست‌کم ۳۴ نفتکش مرتبط با ایران محاصره را شکستند و تأیید شده که نزدیک به ۱۱ میلیون بشکه نفت ایران از کنار محاصره آمریکا عبور کرده‌اند. پیش از این هم یک شرکت دیگر رهبیانی محموله‌های دریایی، تانکر ترک‌رز، از خروج مخفیانه ۴ میلیون بشکه دیگر نفت ایران از خط محاصره دریایی آمریکا خبر داد. حالا آمریکا جدید از خروج ۵۲ شاور تنها در ۲۲ ساعت خبری می‌دهد.

پس از این اقدام غیرقانونی آمریکا و همچنین نقض آتش‌بس، ایران هم اعلام کرده که محدودیت‌های عملیاتی بر تنگه هرمز شدیدتر خواهد شد و تصاویر ماهواره‌ای حاکی از تردد نزدیک به صفر در این آبراه حیاتی است. در همین راستا، کشتی‌های سیاه پاسداران انقلاب اسلامی به شدت حرکت کشتی‌های در این تنگه را زیر نظر دارند به طوری که تاکنون دو کشتی مختلف مرتبط با آمریکا و رژیم صهیونیستی توقیف و به سواحل ایران منتقل شده‌اند.

از این رو، این آبراه حیاتی تنها به روی کشتی‌های ایرانی و منتسب به ایران باز است و اگر کشتی از تنگه عبور کند تنها با اجازه نیروی دریایی سیاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است؛ نکته‌ای در تمام آمارها و گزارش‌های بین‌المللی به آن اشاره می‌شود.

تانکر ترک‌رز؛ ۱۹ نفتکش خالی ایران همیای باگیری نفت

پایگاه تانکر ترک‌رز از وجود ۱۹ نفتکش خالی در آب‌های ایران خبر داد که همیای باگیری نفت هستند. این مسئله یعنی ظرفیت ذخیره ۵۰ میلیون بشکه نفت با وجود محاصره همچنان با تکنیک ذخایر شناور وجود دارد.

با توجه به صادرات ۱.۷ میلیون بشکه‌ای نفت ایران، تنها ذخایر شناور ایران امکان ذخیره نفت به مدت ۳۰ روز را دارا هستند.

این در حالی است که ترامپ مدعی شده بود، ظرفیت ذخیره نفت ایران این هفته تمام‌شده و میادین نفتی کشور از زیرزمین منفجر می‌شوند. ایران تجربه مدیریت میادین نفتی با وجود کاهش چشمگیر صادرات در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ را دارد.

با این حال، بررسی کارشناسانه نشان می‌دهد که این حربه موفق نخواهد بود چراکه کشور پهناوری چون ایران که دارای مرزهای زمینی وسیع با همسایگان است، امکان جایگزینی این مسیرها را به جای مسیرهای دریایی فراهم می‌کند.

در این راستا، دولت برای جایگزینی جریان تجارت ایران از آب‌های جنوبی تدابیر جدیدی اندیشیده که همانا طرحی و فعال کردن کریدورهای جدید زمینی است.

۶ کریدور جدید

در این زمینه، یک مقام سازمان توسعه تجارت ایران از طراحی ۶ کریدور جدید زمینی برای جایگزینی با مسیرهای دریایی خبر داد.

تعطیلی بیش از دوماه معاملات در بورس تهران، این بازار را در وضعیتی بی سابقه قرار داده است؛ نه فقط قیمت‌انجام می‌شود و نه سهام‌داران افراکن نقد کردن درایی خود را دارند.

از آخرین روز معاملات در ششم اسفند تاکنون، بازار سهام عملاً در حالت تعلیق است. در این مدت نه قیمت‌ها به‌روز شده و نه سرمایه‌گذاران توانسته‌اند پرتفوی خود را با شرایط جدید اقتصادی و سیاسی تطبیق دهند. عملاً راه را برای انحصاری کردن سفره مردم ایران از کارگذاری این بازار یعنی «نقدشودگی» را زیرسؤال برد و برای بسیاری این پرسش مطرح‌شود که بورس در مواجهه با شوک‌های مختلف از جمله جنگ چقدر قابل انکاسا است؟

دوراهی سخت؛ بازگشایی یا ادامه توقف

با این تفاسیر؛ حال‌ا تصمیم سیاست‌گذار میان بازگشایی و تمدید تعلیق در نوسان است؛ هر دو گزینه پیامدهای مهمی برای اعتماد و رفتار سهام‌داران دارد. بازگشایی بدون مقدمه، می‌تواند به موج عرضه

سید علی امامی، مدیرکل دفتر آ‌آمد و پشتیبانی سازمان توسعه تجارت

ایران در این باره گفت: کریدورها در واقع به مسیرهای جابه‌جایی کالا اطلاق می‌شوند و خدمات حمل‌ونقلی و پشتیبانی تجاری را انجام می‌دهند؛ به بیان دیگر کریدورها، مسیری هستند که پشتیبانی تجاری را انجام می‌دهد.

وی در ادامه به لزوم شناسایی مسیرهای کریدوری جدید در شرایط اضطرار پرداخت و افزود: قطع و نارسایی زنجیره تأمین بعد از همه‌گیری کرونا شناسایی مسیرهای جدید علاوه بر حفظ مسیرهای سنتی را به یک ضرورت تبدیل کرد؛ البته باید این نکته را در نظر داشت که تعریف کریدورهای جدید محدود به‌این دوره نبود و پیش از این نیز تعریف کریدورهای جدید دنبال می‌شد.

این مقام مسئول مسیرهای دریایی را به دلیل کم‌بودن هزینه، مهم‌ترین و برجسته‌ترین کریدورهای تجاری خواند و تصریح کرد: ایران از شناسایی مسیرهای جدید تجاری مستثنا نیست و باید مسیرهای جدید را تعریف کند چراکه این مسیرها با خود امنیت، اشتغال، سرمایه‌گذاری، صنعت و تولید به همراه می‌آورند.

وی با بیان اینکه جنگ اخیر علیه ایران با تعریف مسیرهای جدید تجاری راه‌یک اصل تبدیل کرد، افزود: زمانی که امکان بهره‌گیری از دریا در تجارت به حداقل می‌رسد کشتوری با پهناوری ایران و با داشتن مرزهای زمینی وسیع با همسایگان می‌تواند آنها را جایگزین مسیر دریایی کند، از این رو با همین هدف چند کریدور جدید زمینی را شناسایی کردیم.

امامی با بیان اینکه تلاش داریم مسیرهای جدید را اقتصاداً و به تجار و بازرگانان معرفی کنیم، گفت: ۶ مسیر جایگزین تعریف شده و امیدواریم که تجارت را در این مسیرها به زودی آغاز کنیم. به گفته این مقام مسئول در سازمان توسعه تجارت ایران، ایجاد مسیرهای کریدوری جدید شمال-جنوب و شرق و غرب، با جدیت دنبال می‌شود. وی همچنین به تلاش‌ها و رایزنی‌های سازمان توسعه تجارت ایران با کشورهای شرکت‌های حمل‌ونقلی و منتقله‌ها در زمینه زمان استفاده از مسیرهای جایگزین اشاره کرد.

افزایش تها‌ت کالا با همسایگان

در کنار تعریف مسیرهای جدید تجاری، افزایش تها‌ت با همسایگان ایران از طریق مرزهای زمینی و دریایی شمال کشور هم با هدف خنثی کردن محاصره دریایی آمریکا در دستور کار قرار گرفته و بخش خصوصی در این زمینه فعال شده‌است.

کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا که برخی از آنها اقمار دریای خزر را تشکیل می‌دهند، در فهرست افزایش تها‌ت کالا قرار دارند. در این باره، یحیی آل اسحاق، رئیس اتاق مشترک ایران و عراق از ایجاد و استقرار نظام تها‌ت کالا و خدمات میان ایران و عراق و افزایش فعالیت این مکانیسم خبر داد.

وی گفت؛ ما برای افزایش تها‌ت کالا و خدمات با عراق در شرایط ویژه جاری برنامه داریم و برای تسهیل فرآیندهای آن تلاش می‌کنیم. در این راستا اقداماتی چون طراحی و استقرار سیستم تسویه‌مالی میان ت‌جار دو کشور با تأمین نهاد‌های مالی واسط و ایجاد مرکز پایایی تسویه و ایجاد مرکز شتاب‌دهی صادرات به عراق و تسهیل واردات

مهم‌شود، احساس «بازار نیمه‌باز» ایجاد کرده و

فرآیند طبیعی کشف قیمت را مختل می‌کند. تعویق بیشتر و فرسایش اعتماد؛ ادامه تعطیلی، اگرچه ظاهراً ثبات قیمتی ایجاد می‌کند اما سرمایه‌اجتماعی بازار

این بنادر به خوبی در جریان است و می‌توان محصولاتی نظیر جو، ذرت و الوار را از این مسیر تأمین کرد.

کشتی‌های ایرانی اینگونه از محاصره عبور می‌کنند

به گفته دبیرکل انجمن کشتیرانی، با وجود اعلام محاصره دریایی از سوی آمریکا، جریان تجارت دریایی ایران متوقف نشده و کشتی‌ها با عبور از محاصره به بنادر می‌رسند؛ در این میان، تقویت مسیرهای جایگزین، تاب‌آوری اقتصادی کشور را به‌طور محسوسی افزایش داده‌است.

مسعود پل‌مه عنوان کرد: محدوده محاصره دریایی آمریکا ۳۰۰ مایل دریایی (حدود ۵۰۰ کیلومتر) است که برای تردد تعداد محدودی از شناورها مزاحمت ایجاد کرده‌است.

وی با بیان این که این اقدام آمریکا ناقض قوانین بین‌المللی و صرفاً ففاسازی و فشار روانی است، بیان کرد: اکثر کشتی‌های ایرانی چه نفتکش چه کانتینربرها، با حمایت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از محاصره عبور و به بنادر جنوبی کشور می‌رسند.

پل‌مه در خصوص واردات کالاهای اساسی پس از محاصره دریایی ترامپ اظهار کرد: جریان ورود کالاهای اساسی به کشور استمرار دارد و در صورت تداوم این شرایط، اقتصاد کشورهای عربی خلیج فارس و آمریکا بیشتر از ایران آسیب خواهند دید.

دبیرانجمن کشتیرانی دلایل این موضوع را در رشد نزولی و سقوط سنگین بازار سهام کشورهای عربی که سرمایه‌گذاری مؤثر در آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و افزایش نرخ سوخت و سایر کالاها که به وضوح در قیمت‌نفت برنت ملاحظه می‌شود، عنوان کرد و ادعای ترامپ مبنی بر این که به‌تنگه هرمز نیازی ندارد، را دروغ خواند.

وی با بیان این که بنادر جنوبی کشور به آب‌های آزاد دسترسی دارند، عنوان کرد که در صورت هرگونه انسداد، بنادر شمالی کشور به همراه مرزهای زمینی (به‌ویژه اتصال ریلی به چین با کشورهای آسیای مرکزی و روسیه)، دست‌ما را برای ورود کالاهای اساسی باز خواهد گذاشت. پل‌مه ادامه داد: ما با بیش از ۷ کشور ارتباط زمینی و در حدود ۵ کشور ارتباط دریایی داریم که این موضوع، تاب‌آوری اقتصادی را ما افزایش خواهد داد. به‌طور مثال، ظرفیت عملکردی بنادر شمالی ما در حدود ۲۰ درصد است که اقدامات مناسب، می‌تواند پاسخگوی نیاز ما باشد.

گفتنی است به‌طور سنتی ایران، کشتوری با تمرکز تجاری بر محور جنوبی است. بیش از ۸۰ درصد تجارت دریایی کشور از طریق بنادر جنوبی در خلیج فارس و دریای عمان انجام می‌شود؛ بنداری مانند بندر شهید امامان، ام‌ام خمینی، یوشیرو و چابهار ستون فقرات واردات و صادرات کشور محسوب می‌شوند. این تمرکز به دلیل دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد، ظرفیت بالای اسکله‌ها، عمق مناسب

حوضه‌ها و اتصال ریلی و جاده‌ای گسترده شکل گرفته‌است. در مقابل، بنادر شمالی کشور در حاشیه دریای کاسپین قرار دارند و شامل بنادر امیرآباد، انزلی، نوشهر، بندرینون کنار و آستانار هستند. این بنادر اغلب با کشورهای روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان ارتباط دریایی دارند و بخش مهمی از تجارت منطقه‌ای و ترانزیتی کریدور شمال-جنوب از این مسیر عبور می‌کند.

آیا ایران می‌تواند به کسب درآمد از نفت ادامه دهد؟

تحلیلگران می‌گویند که ایران می‌تواند برای چند ماه به کسب درآمد از نفتی که در حال حاضر در دریا در حال حمل‌است، ادامه دهد. کنت کاتزمن، تحلیلگر سابق ایران در سرویس تحقیقات‌نگره‌در واشنگتن دی سی، گفت که ایران در بحبوحه محاصره بنادر ایران توسط ایالات متحده، نفت جدیدی صادر نمی‌کند، اما تهران در حال حاضر بین ۱۶ تا ۱۷ میلیون بشکه نفت «شناور» در کشتی‌های سراسر جهان دارد. کاتزمن گفت: «این محموله‌ها که قبل از اعمال محاصره ایالات متحده از تنگه هرمز عبور می‌کردند، روی صدها نفتکش هستند و منتظر تحویل هستند.»

کاتزمن گفت که نفت استاد ایرانی به او اطلاع داده‌است که براساس این محموله‌ها، تهران می‌تواند جریان درآمدی داشته‌باشد که می‌تواند تا ماه اوت با وجود نیروی دریایی ایالات متحده ادامه یابد.

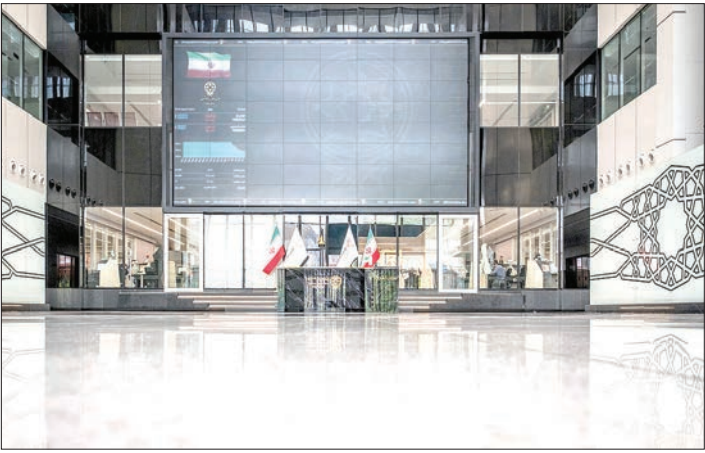
او گفت: «مدت زمان زیادی است. آیا رئیس جمهور ترامپ تا ماه اوت فرصت دارد؟ احتمالاً نه.»

او گفت: «اگر ترامپ می‌خواهد ایس‌ن موضوع را به نتیجه‌ای که می‌خواهد برساند، احتمالاً باید به دنبال تشدید تنش باشد، یا

باید کمتر از توافقی را که در حالت

ایده‌آل می‌خواهد، بپذیرد.» کشتی‌های ایرانی همچنان باید از کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده در اقیانوس آزاد دوری کنند، زیرا نیروی دریایی ایالات متحده اخیراً کشتی‌های حامل محموله‌های ایرانی را نیز رهگیری کرده‌است.

طبق داده‌های کپلر، در حال حاضر حدود ۱۸۳ میلیون بشکه نفت خام ایران در آب وجود دارد. از این مقدار، تقریباً ۱۴.۷ میلیون بشکه در خلیج فارس، ۱۱.۹ میلیون بشکه در خلیج عمان، ۹ میلیون بشکه در دریای عرب و ۶.۵ میلیون بشکه در اقیانوس هند مرکزی قرار دارد. بقیه در اطراف تنگه مالاکا، دریای چین جنوبی و مناطق نزدیک‌تر به چین قرار دارد.



سرمایه وار فرسوده می‌سازد. سرمایه‌گذارانی که یک‌بار در خروج این بازار محدود شده‌اند، در آینده وزن بیشتری به «ریسک‌سیاستی» می‌دهند و ممکن است سهم بورس را در سید دارایی خود کاهش دهند؛

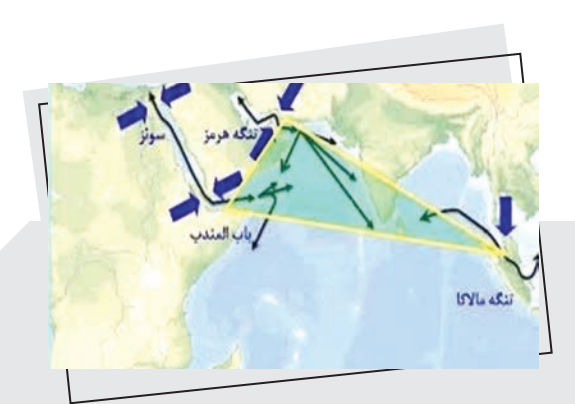
ترمیم این بی‌اعتمادی در آینده آسان نخواهد بود.

بازگشایی همراه با بسته‌اصلاحات؛ در این مسیر، بازگشایی با اعلام یک بسته اصلاحی جدی همراه است؛ از بازنگری در مقررات توقف نمادها گرفته تا تقویت شفافیت‌ناشران و نقش بازارگردان‌ها. این سرنایو نوسان کوتاه‌مدت را حذف نمی‌کند اما می‌تواند افق میان‌مدت بازار را روشن‌تر و بحران فعلی را به نقطه شروع اصلاحات تبدیل کند.

در مجموع کارشناسان معتقدند نحوه خروج از وقفه ۶۰ روزه و شکست سکوت تا‌الز شیشه‌ای، بیش از خود وقفه اهمیت دارد. بر این اساس، بازار سهام این روزها بیسای از هر زمان به قواعد شفاف و پرهیز از تصمیم‌های ناگهانی نیاز دارد. از این رو انتخاب میان این چهار سناریو، می‌تواند یا به بازسازی تدریجی اعتماد و بازگشت سرمایه‌ها منجر شود یا شکاف میان بورس و سهامداران حقیقی را عمیق‌تر کند؛ انتخابی که احتمالاً به یکی از تصمیمات حساس در تاریخ بازار سرمایه تبدیل خواهد شد.



اخبار



بحران تنگه‌ها برای تجارت دنیا؛ مالاکا نامزد بعدی است؟

اختلال کردتی در تنگه هرمز باعث بروز نگرانی درباره آسیب‌پذیری یک گذرگاه مهم دیگر در آن سوی جهان شده‌است.

به گزارش بلومبرگ، تنگه مالاکا– گذرگاه باریکی میان اندونزی و مالزی که مسیر تجارت را از کنار سنگاپور عبور می‌دهد– بیش از یک پنجم تجارت دریایی جهان را جابه‌جا می‌کند و شلوغ‌ترین گلوگاه دریایی دنیاست. این تنگه مدت‌ها به‌عنوان یک نقطه ضعف راهبردی شناخته می‌شد، به‌ویژه از نگه چین که برای واردات انرژی به شدت به این مسیر وابسته‌است. پس از آنکه ایران در واکنش به حملات نظامی آمریکا و اسرائیل عملاً تنگه هرمز را بست، توجه‌ها بیش از پیش به مالاکا جلب شد.

باینکه تنگه مالاکا تحت قوانین بین‌المللی اداره می‌شود که عبور آزاد را تضمین می‌کند، نگرانی‌ها زمانی بالا گرفت که یکی از مقام‌های ارشد اندونزی برای مدتی کوتاه ایده گرفتن عوارض عبور را مطرح کرد. مقام‌های منطقه بعداً تأکید کردند که این تنگه همچنان باز و بدون عوارض خواهد ماند. با این حال، همین اتفاق نشان داد تجارت جهانی تا چه اندازه به اختلال در یکی از پررفت‌وآمدترین مسیرهای خود حساس‌است.

تنگه مالاکا یکی از مهم‌ترین مسیرهای کشتیرانی جهان است که اقیانوس هند را به دریای چین جنوبی و اقیانوس آرام وصل می‌کند. این تنگه حدود ۸۰۵ کیلومتر طول دارد و بین جزیره سوماترای اندونزی و شبه‌جزیره مالایا کشیده شده‌است، با تایلند در شمال و سنگاپور در ورودی جنوبی آن. این مسیر کوتاه‌ترین راه دریایی میان خلیس‌ها و شرق آسیاست. کارایی بالای این مسیر باعث شده که نقش غیرقابل جایگزین پیدا کند. در سال ۲۰۲۵، بیش از ۱۰۲ هزار و ۵۰۰ کشتی از آن عبور کردند، در حالی که این رقم سال قبل حدود ۹۴ هزار و ۳۰۰ کشتی بود. انواع مختلفی از کالاهاز این مسیر عبور می‌کنند، از جمله نفت خام، گاز طبیعی مایع، زغال سنگ، روغن پالم، سنگ آهن و همچنین کالاهای تولیدی. در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، روزانه حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور کرده‌است که اقتصادهای بزرگی مانند چین، ژاپن و کره جنوبی را تأمین می‌کند. این رقم حتی از حدود ۲۰٫۹ میلیون بشکه‌ای که در همان دوره از تنگه هرمز عبور کرده، بیشتر است.

در باریک‌ترین نقطه، عرض تنگه تنها حدود ۲٫۷ کیلومتر است و همین موضوع آسیب‌پذیری آن را با توجه به حجم عظیم ترافیک نشان می‌دهد. این وضعیت خطر برخورد کشتی‌ها و به گل نشستن را افزایش می‌دهد، به‌ویژه در شلوغ‌ترین بخش‌ها. حتی اختلال‌های محدود هم می‌توانند عبور و مرور را کند کرده و هزینه‌های حمل‌ونقل را بالا ببرند. دزدی دریایی و سرقت مسلحانه نیز از نگرانی‌هاست و در سال ۲۰۲۵ تعداد این حملات در تنگه مالاکا و سنگاپور به ۱۰۸ مورد رسید.

هرچند مسیرهای جایگزینی از میان مجمع‌الجزایر اندونزی وجود دارد، اما به این اندازه مناسب و قابل کشتیرانی آسان نیستند. تنگه سوندا در برخی نقاط کم‌عمق‌است و در نزدیکی یک آتش‌فشان فعال قرار دارد. مسیر تنگه های لومبوک و ماکاسار نیز زمان و هزینه سفر را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. برای مثال، سفر از بندر رأس تنوره در عربستان سعودی به ژاپن از این مسیرها بیش از دو برابر مسیر عبور از مالاکاست.

اندونزی، مالزی و سنگاپور در کنار این تنگه قرار دارند و برآب‌های سرزمینی خود- که طبق کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل می‌تواند تا ۱۲ مایل دریایی از ساحل امتداد داشته باشد – حاکمیت دارند. این سه کشور در سال ۱۹۷۱ چارچوبی سه‌جانبه برای مدیریت تنگه ایجاد کردند. در عین حال، این تنگه به‌عنوان یک آبراه بین‌المللی شناخته می‌شود، یعنی کشتی‌ها و هواپیماها حق عبور ترانزیتی دارند و می‌توانند به‌طور پیوسته بدون مانع حرکت کنند. کشورهای ساحلی نمی‌توانند عبور را متوقف کنند یا صرفاً برای گذر عوارض بگیرند، هرچند می‌توانند برای خدمات خاص هزینه دریافت کنند. این سه کشور همراه با تایلند در زمینه امنیت، ایمنی، مقابله با دزدی دریایی و گشت‌های مشترک همکاری نزدیکی دارند. هرچند هیچ کشوری به‌تنهایی کنترل کامل تنگه را در اختیار ندارد، موقعیت جغرافیایی آن‌ها نفوذ زیادی بر یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری جهان به آن‌ها می‌دهد. تهدیدها در تنگه هرمز نشان داده که گلوگاه‌های دریایی تا چه اندازه می‌توانند سریع به نقاط تنش ژئوپولیتیک تبدیل شوند و بر اقتصاد جهانی فشار وارد کنند. وزیر دارایی اندونزی، پورپا یا یودهی سادوا، ایده دریافت عوارض از کشتی‌ها برای عبور از تنگه را مطرح کرد اما خیلی زود از آن عقب‌نشینی کرد، آن هم پس از اینکه ایران اقدام مشابهی را در هرمز انجام داده بود. وزارت دفاع اندونزی نیز در حال بررسی پیشنهادی از سوی آمریکا برای دسترسی پرواز هواپیماهای نظامی از حریم هوایی این کشور است؛ موضوعی که حتی در داخل ارتش اندونزی هم به‌دلیل نگرانی‌های مربوط به حاکمیت با مخالفت‌هایی روبه‌رو شده‌است.

سنگاپور سریع واکنش نشان داد و تأکید کرد که تنگه باید برای ناوبری بین‌المللی باز و آزاد باقی بماند. مالزی هم بر اهمیت عبور بدون مانع تأکید کرده که نشان دهند منفعت مشترک کشورهای ساحلی در حفظ جریان تجارت است.

بحران هرمز همچنین باعث شده تایلند، در شمال شرق تنگه مالاکا، دوباره توجه‌ها را به‌طرح قدیمی خود برای ایجاد یک پل زمینی از بزرگراه‌ها و خطوط راه‌آهن در جنوب این کشور جلب کند. این پروژه می‌تواند تنگه را دور بزند و زمان انتقال را کاهش دهد، اما از نظر اجرایی و مالی بسیار دشوار ارزیابی می‌شود. چین یکی از کشورهای است که از همه بیشتر در معرض ریسک‌های تنگه مالاکا قرار دارد. این کشور بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است و بیشتر این واردات از طریق دریا و عبور از این تنگه انجام می‌شود. همین آسیب‌پذیری باعث شده چین تلاش کند مسیرهای تأمین خود را متنوع کند، از جمله از طریق خطوط لوله از آسیای مرکزی و روسیه و همچنین سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین در چارچوب ابتکار «کمربند و جاده»، از جمله مسیرهایی از طریق میانمار. با این حال، مسیرهای دریایی همچنان برای اقتصاد چین حیاتی هستند و این کشور را نسبت به بی‌ثباتی در مالاکا بسیار حساس می‌کند. رهبران چین مدت‌هاست این تنگه را در سناریوهای درگیری یک نقطه ضعف راهبردی می‌دانند؛ نگرانی‌ای که اغلب با عنوان «معمای مالاکا» شناخته می‌شود. اصطلاحی که در دوران ریاست جمهوری هیو جین تاو در اوایل دهه ۲۰۰۰ رایج شد. این وضعیت با ادعاهای ارضی متعارض در دریای چین جنوبی و رقابت راهبردی چین و آمریکا برای نفوذ دریایی در منطقه پیچیده‌تر هم شده‌است.

پکن هم‌زمان با تشدید اصطکاک‌های تجاری با واشنگتن، قوانین جدیدی را بدون فرصت نظرخواهی شرکت‌ها لازم‌الاجرا کرد که به مقامات چین اختیار می‌دهد هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز علیه زنجیره‌های صنعتی این کشور را با محدودیت تجاری و کنترل صادرات پاسخ دهند.

آتش بس موقت تعرفه‌ای میان آمریکا و پکن که تا نوامبر ۲۰۲۴ برقرار است، نه فقط دو طرف را از افزایش فشارهای اقتصادی بازداشته، بلکه چین از این فرصت برای تقویت بی‌سابقه زرادخانه حقوقی و تجاری خود استفاده کرده‌است. رویکردی که کارشناسان آن را منطقی برضرب‌المثل «اگر خواهان صلحی، آماده جنگ باش» توصیف می‌کنند؛ آن هم در شرایطی که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، لایه جدیدی از تنش را به رقابت دو قدرت بزرگ اقتصادی جهان افزوده‌است.

چین از اکتبر ۲۰۲۵ تاکنون دست به مجموعه‌ای از اقدامات قانونی و اجرایی زده که هدف آن ساخت «زرادخانه اقتصادی» در برابر هرگونه فشار خارجی است. پکن قوانینی وضع کرده که بر اساس آن، نهادهای خارجی (اعم از سازمان، شرکت یا انجمن) که اقدام به انتقال زنجیره‌های تأمین خود به خارج از چین کنند، مشمول مجازات می‌شوند. همچنین نظام صدور مجوز برای مواد معدنی کمیاب تشدید شده و استفاده از تراشه‌های خارجی هوش مصنوعی در مراکز داده دولتی ممنوع گردیده‌است. در اقدامی



هشدار چین به آمریکا در دفاع از نفت ایران

گزارش

پکن هم‌زمان با تشدید اصطکاک‌های تجاری با واشنگتن، قوانین جدیدی را بدون فرصت نظرخواهی شرکت‌ها لازم‌الاجرا کرد که به مقامات چین اختیار می‌دهد هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز علیه زنجیره‌های صنعتی این کشور را با محدودیت تجاری و کنترل صادرات پاسخ دهند.

آتش بس موقت تعرفه‌ای میان آمریکا و پکن که تا نوامبر ۲۰۲۴ برقرار است، نه فقط دو طرف را از افزایش فشارهای اقتصادی بازداشته، بلکه چین از این فرصت برای تقویت بی‌سابقه زرادخانه حقوقی و تجاری خود استفاده کرده‌است. رویکردی که کارشناسان آن را منطقی برضرب‌المثل «اگر خواهان صلحی، آماده جنگ باش» توصیف می‌کنند؛ آن هم در شرایطی که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، لایه جدیدی از تنش را به رقابت دو قدرت بزرگ اقتصادی جهان افزوده‌است.

چین از اکتبر ۲۰۲۵ تاکنون دست به مجموعه‌ای از اقدامات قانونی و اجرایی زده که هدف آن ساخت «زرادخانه اقتصادی» در برابر هرگونه فشار خارجی است. پکن قوانینی وضع کرده که بر اساس آن، نهادهای خارجی (اعم از سازمان، شرکت یا انجمن) که اقدام به انتقال زنجیره‌های تأمین خود به خارج از چین کنند، مشمول مجازات می‌شوند. همچنین نظام صدور مجوز برای مواد معدنی کمیاب تشدید شده و استفاده از تراشه‌های خارجی هوش مصنوعی در مراکز داده دولتی ممنوع گردیده‌است. در اقدامی

دیگر، شرکت‌های این کشور از به کارگیری نرم‌افزارهای امنیت سایبری ساخت آمریکا و اسرائیل منع شده‌اند و پکن در حال بررسی محدودیت صادرات تجهیزات ساخت صفحات خورشیدی به ایالات متحده‌است.

جو مازور، تحلیلگر ژئوپلیتیک در شرکت «تریویوم چین» مستقر در پکن، در گفت‌وگویی با رویترز تأکید کرده‌است: «چین امیدوار به آتش‌بسی طولانی‌تر و گسترده‌تر است اما در عمل بر اساس منطق «اگر خواهان صلحی، آماده جنگ باش» حرکت می‌کند.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، ایجاب تازه‌ای به رقابت خودروهای آمریکایی را دچار کمبود می‌کند و دوتالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که آمریکا با این اقدامات در دفاع از نفت ایران، عملاً پکن را هداف گرفته‌است؛ چراکه چین حدود ۸۰ درصد نفت صادراتی ایران را خریداری می‌کند. در واکنش به این تهدید، رسانه دولتی این کشور (سینا تای وی) در صفحه رسمی خود در فضای مجازی نوشت: «در گذشته اقدامات تلافی جویانه ما بیشتر در حوزه تجاری متمرکز بود اما امروز اصطکاک‌های بین‌المللی جامع‌تر شده و این ابزارها دیگر کافی نیستند.» «دوروز پس از هشدار وزیر خزانه‌داری آمریکا، نخست‌وزیر چین «لی چیانگ» دوآین نامه جدیدی را امضا کرد که به مقامات این کشور قدرت می‌دهد، علیه هر دولت، شرکت یا فرد خارجی که به تشخیص پکن، «اقدامات تبعیض‌آمیز» علیه زنجیره‌های صنعتی و تأمین چین انجام دهد یا «دادگاه فراسرزمینی غیرقانونی» اعمال کند، تحقیق، ورود را ممنوع،

تقابل در دو جبهه
واشنگتن نیز بیکار نشسته و در ماه مارس گذشته، تحقیقات تجاری درباره

«ظرفیت مازاد صنعتی» و «اقدامات کار اجباری» در چین را آغاز کرده‌است. علاوه بر این، محدودیت‌های صادراتی بر نیمه‌های‌ها و تجهیزات ساخت تراشه به چین، توانایی پکن را برای تولید تراشه‌های پیشرفته کاهش داده‌است. چیم لی، تحلیلگر صنعتی در واحد اکونومیست اینتلیجنس می‌گوید: «به دلیل کنترل‌های صادراتی، چین به برخی پیشرفته‌ترین تجهیزات ساخت نیمه‌هادی در جهان دسترسی ندارد.»

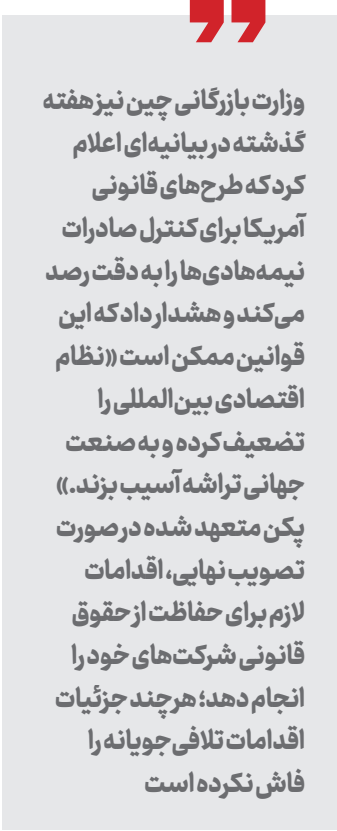
این رقابت حتی معامله چند ده میلیارد دلاری خرید هواپیماهای بوئینگ توسط پکن را پیچیده کرده‌است. این کشور خواهان هواپیما و قطعات یدکی است اما واشنگتن در مقابل محموله‌های عنصر «تریوم» (یک ماده معدنی کمیاب که در ساخت موتور هواپیما به کار می‌رود) از چین را مطالبه می‌کند. در پاسخ، پکن کنترل‌های نظارتی خود را تشدید کرده و از اواخر ۲۰۲۵ شرکت‌های تراشه را ملزم به استفاده از حداقل ۵۰ درصد تجهیزات داخلی در ظرفیت‌های جدید کرده و استفاده از تراشه‌های هوش مصنوعی خارجی را در مراکز داده دولتی ممنوع نموده‌است.

هشدار به غرب؛ زنجیره‌های جهانی در خطر

اتاق بازرگانی اروپا در چین در گزارشی آوریل ۲۰۲۴ هشدار داد که استفاده پکن از کنترل‌های صادراتی با اثر فرامرزی، می‌تواند «زنجیره‌های تأمین جهانی را در مقیاسی بی‌سابقه مختل کرده و خسارات اقتصادی و غیراقتصادی به بار آورد.» مایکل هارت، رئیس اتاق بازرگانی آمریکا در چین نیز گفت: «شرکت‌ها اکنون با وضعیت ناپی‌روبه‌رو هستند؛ پکن می‌تواند خرید خود از شرکت‌های خارجی را با عواقب محدود کاهش دهد، در حالی که یک شرکت خارجی که وابستگی خود به چین را کم کند، در معرض تحقیق قرار می‌گیرد.»

وزارت بازرگانی چین نیز هفته گذشته در بیانیه‌ای اعلام کرد که طرح‌های قانونی آمریکا برای کنترل صادرات نیمه‌هادی‌ها را به دقت رصد می‌کند و هشدار داد که این قوانین ممکن است «نظام اقتصادی بین‌المللی را تضعیف کرده و به صنعت جهانی تراشه آسیب بزند.» پکن متعهد شده در صورت تصویب نهایی، اقدامات لازم برای حفاظت از حقوق قانونی شرکت‌های خود را انجام دهد؛ هرچند جزئیات اقدامات تلافی‌جویانه را فاش نکرده‌است.

آنچه گزارش‌های اخیر آشکار می‌سازد، نقش غیرمستقیم اما تعیین‌کننده ایران در این معادله است. جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران نه فقط تنش در خلیج فارس را افزایش داده، بلکه با تهدید تحریم خریداران نفت ایران، پکن را بر آن داشته تا سامانه دفاعی اقتصادی خود را با دقتی بی‌سابقه باطراحی کند. چین کسه ۸۰ درصد نفت ایران را تأمین می‌کند، در عمل نشان داده‌است که در برابر فشار واشنگتن نه فقط عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه با تقویت ابزارهای حقوقی و تجاری خود، از منافع راهبردی‌اش از جمله همکاری با ایران دفاع می‌کند. تحلیلگران معتقدند چین در ماه‌های آینده به جستجوی «نقاط اتکای جدید برای ایجاد اختلال» ادامه خواهد داد تا واشنگتن را در موقعیت ضعف قرار دهد.



وزارت بازرگانی چین نیز هفته گذشته در بیانیه‌ای اعلام کرد که طرح‌های قانونی آمریکا برای کنترل صادرات نیمه‌هادی‌ها را به دقت رصد می‌کند و هشدار داد که این قوانین ممکن است «نظام اقتصادی بین‌المللی را تضعیف کرده و به صنعت جهانی تراشه آسیب بزند.»

پکن متعهد شده در صورت تصویب نهایی، اقدامات لازم برای حفاظت از حقوق قانونی شرکت‌های خود را انجام دهد؛ هرچند جزئیات اقدامات تلافی جویانه را فاش نکرده‌است

تنگه هرمز؛ کارت برنده ایران که معادلات جهانی را برهم زد

یک کارشناس اقتصادی با اشاره به اهمیت تنگه هرمز تأکید کرد که صلابت ایران و وجود تنگه هرمز به عنوان اهرم فشار باعث شدند که معادلات جهانی درمورد ایران و این جنگ تغییر کنند. مهدی ساسانی، کارشناس اقتصادی درمورد اهمیت تنگه هرمز گفت: بسته شدن و یا به نوعی، مدیریت رفت و آمد در تنگه هرمز باعث شده‌است که در مدت جنگ، قیمت نفت با وجود کاهش جزئی در برخی از مواقع، به‌طور کلی با افزایش روبه‌رو شود و این روند تا به امروز ادامه داشته و از کانال ۱۰۰ دلار عبور کرده و همین موضوع باعث شده‌است که مسئله انرژی در سراسر جهان با مشکلاتی روبه‌رو شود. چون برخی از کشورها نفت خود را به صورت مستقیم از تنگه هرمز عبور می‌دادند که سهم بیش‌تر آن مربوط به چین و ژاپن بوده‌است. ساسانی ادامه داد: بحران انرژی بر هزینه‌های سایر کشورهایی تأثیرگذار بوده‌است که از نفت استفاده می‌کنند و توانسته‌است درآمد کشورهای صادرکننده نفت که کشورهای حوزه خلیج فارس هستند را به نوعی، مختل کند و در این مدت، درآمد آن‌ها با آسیب روبه‌رو شده‌است.

این کارشناس اقتصادی بیان کرد: حمله دو متخاصم رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا به ایران باعث شد که اقتصاد آمریکا از این موضوع دستخوش تغییرات شود و در جریان این جنگ شاهد بودیم که سرمایه‌ها از بازار آمریکا خارج شدند و به سمت بازار چین در حرکت بودند که همین موضوع توانست آمریکا و برخی از کشورهای دیگر را از نظر اقتصادی، با چالشی بسیار بزرگ روبه‌رو کند؛ زیرا وقتی سرمایه‌ها از بازارهای آمریکا خارج می‌شوند، می‌توانند نوبدبخش رکود برای اقتصاد آمریکا در پسا جنگ باشند و چین که در طرف دیگر ترازوی اقتصاد جهانی قرار گرفته‌است، می‌تواند بیشترین منفعت را از این موضوع ببرد.

ساسانی گفت: در جریان جنگ تحمیلی سوم، بیشتر شاهد افت اونس طلای جهانی بودیم و برخلاف جنگ روسیه و اوکراین که طلا بارشد همراه شد، اقا در این جنگ، کاهش اونس طلای جهانی را مشاهده کردیم و یکی از دلایلی که باعث شد در جریان جنگ شاهد افت اونس طلای جهانی باشیم این بود که مدتی پیش، فدرال رزرو نرخ بهره خود را هم ثابت نگه داشت و انتظاراتی که برای این موضوع وجود داشت برآورده نشد و بر کاهش اونس طلای جهانی و کاهش قیمت فلزات جهانی تأثیر گذاشت و باعث تضعیف دلار شد و این باعث مشکلات و رکود اقتصادی در آمریکا شده‌اند و در حال حاضر، به نظری رسد که تصمیمات دیگری اتخاذ کنند. این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: با توجه به اتفاق‌هایی که رخ داده‌است و از آن جایی که دولت آمریکا انتظار داشت در روزهای اول جنگ با ایران پیروز می‌شود، امان‌توانست به اهدافی دست پیدا کند که بتواند متحدانش را قانع کند، می‌توان گفت که آمریکا شکست خورده جنگ را پذیرفته است.

آیا افغانستان می‌تواند یک مسیر جدید انرژی به دور از تنگه هرمز باشد؟



دادن به کشورهای آسیای مرکزی برای مدیریت مستقل روابط خود با افغانستان باشد. او گفت: افغانستان می‌خواهد بخشی از آسیای مرکزی بزرگ‌تر باشد. واقعیت بسیار پویاتر و پیچیده‌تر از آن چیزی است که ما می‌پذیریم و تحولی در جریان است. سایر سخنرانان در ارزیابی‌های خود محتاط‌تر بودند. ریچارد ای. هوگلند، سفیر بازتشمینست‌های که در بیش از ۳۰ سال خدمت دیپلماتیک خود، در پست‌های مختلف آسیای مرکزی و پاکستان فعالیت کرده بود، گفت که با نگاه به نقش، پروژه‌های ژئواکونومیک مانند «جاده ابریشم هفتگانه پلاس» منطقی به نظر می‌رسند، اما هشدار داد که «تفاوتی میان ایدئولوژی و واقعیت در سیاست‌گذاری وجود دارد.»

هوگلند در این زمینه، ایدئولوژی را با خوش بینی بی‌پایه یا «شور و شوق غیرمنطقی» برابر دانست، جایی که منطق، عوامل فرهنگی و تاریخی و میدانی پیچیده‌کننده طرح‌ها را نادیده می‌گیرد. وی افزود که اجرای پروژه‌هایی مانند «جاده ابریشم هفتگانه پلاس» برای موفقیت، ناگزیر باید بر پایه واقعیت‌های موجود استوار باشد. هوگلند پیشنهاد داد که تحت شرایط فعلی، مفهوم «جاده ابریشم هفتگانه پلاس» ممکن است بیشتر یک ایدئولوژی باشد تا واقعیت، حداقل از منظر افغانستان. در هسته اصلی خود، «جاده ابریشم هفتگانه پلاس» یک برنامه چندفازی برای تقویت حاکمیت کشورهای آسیای مرکزی است تا این منطقه به شریک مذاکراه‌ای کارآمدتر و مقصد سرمایه‌گذاری قابل اعتمادتری تبدیل شود.

فاز اول مفهوم «جاده ابریشم هفتگانه پلاس» شامل ترویج و



جراحی بزرگ در ساختار اشتغال کشور

فرمان رئیس جمهور برای حذف پیمانکاران نیروی انسانی، پایان عصر واسطه‌گری و گامی بلند برای تحقق امنیت شغلی است.

صدر دستور اکید رئیس جمهوری برای حذف شرکت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی، فراتر از یک خیرانداری، نویدبخش یک انقلاب در ساختار روابط کار ایران است. این تصمیم که با استقبال بی سابقه شکل های کارگری روبرو شده، گامی بلند برای پایان دادن به ده‌ها تبعیض نظام‌مند، بازگشت امنیت شغلی به بدنه نیروی کار و تحقق عینی شعار عدالت محوری در سرفره کارگران محسوب می شود.

سال‌هاست که مدل «تأمین نیروی انسانی از طریق واسطه‌ها» به عنوان خفراهی در نظام اداری و اجرایی کشور، موجب فرسایش سرمایه انسانی شده است. شرکت‌های پیمانکاری که بدون تولید ارزش افزوده، تنها وظیفه دلالی نیروی کار را بر عهده داشتند، بخش قابل توجهی از بودجه‌هایی را که باید صرف معیشت کارگری می شد، به عنوان «سودمدیریت» کسرمی کردند. اکنون، با ورود مستقیم رئیس جمهوری به این پرونده، بساط این واسطه‌گری که بسیاری از فعالان کارگری آن را «برده‌داری مدرن» می نامیدند، در حال برجیده شدن است.

اولیا علی بیگی، رئیس کانون عالی شورا‌های اسلامی کار کشور، این اقدام را «هدیه ویژه دولت به جامعه کارگری» قلمداد کرد. وی با اشاره به جامعه ۱۴ میلیونی کارگران بیمه‌شده، تأکید کرد که شرکت‌های پیمانکاری همواره بزرگترین مانع در مسیر امنیت شغلی بوده‌اند.

تحلیل سخنان علی‌بیگی نشان می دهد که حذف پیمانکار، تنها یک تغییر قرارداد ساده نیست؛ بلکه بازگرداندن «کرامت انسانی» به کارگری است که سال‌ها در یک واحد دولتی یا صنعتی کار کرده‌اما به دلیل نوع قرارداد، خود را «شهرودن درجه دو» می دیده‌است.

تحلیل ساختاری تبعیض: وقتی واسطه، مانع عدالت می شود

سیمه گلپور، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، با نگاهی آسیب‌شناسانه به حضور واسطه‌ها می نکرد. وی معتقد است که کارگران شرکتي علی‌رغم حضور در حساس‌ترین بخش‌های اجرایی و خدماتی، به دلیل وجود این شرکت‌ها از حقوق و مزایای قانونی خود به‌طور کامل بهره‌مند نمی‌شوند.

به‌باور کارشناسان، حذف واسطه‌ها دو ستاورد فوری دارد:

شفافیت در نظام پرداخت، حذف «سهم پیمانکار» باعث می‌شود بودجه اختصاص یافته توسط دولت، مستقیماً به جیب کارگر برود. امنیت روانی و شغلی: تبدیل وضعیت به قرارداد مستقیم، انگیزه بهره‌وری را در نیروی کار به شدت افزایش می دهد.

ابعاد اقتصادی و بودجه‌ای، سود و نلت، منفعت کارگر

برخلاف تصورات اشتباه که حذف پیمانکار را با برامالی برای دولت می‌دانند، تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد این اقدام منجر به «بهبه‌سازی بودجه» می‌شود. دولتی که پیش از این مبالغ کلانی را به شرکت‌های واسط برای مدیریت نیرو پرداخت می کرد، اکنون می‌تواند با حذف سود شرکت‌های واسطه، هم هزینه‌های خود را مدیریت کند و هم سطح رفاهی کارکنانش را بدون استقرار جدید ارتقا دهد.

چالش‌های پیش‌رو: لزوم قاطعیت در اجرا

با وجود صدور دستور، جامعه کارگری نگران مقاومت صاحبان این شرکت‌های پرتفود است. انتظار می‌رود وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صمت با قاطعیت و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق، راه را بر هرگونه دور زدن قانون ببندند. همان‌طور که گلپور تأکید کرد، تدوین پیش‌نویس نهایی و اجرای سریع آن، آرزوی بزرگی برای بدنه اجرایی دولت در تحقق وعده‌های عدالت‌طلبانه است. حذف شرکت‌های پیمانکاری، مطالبه‌ای چند دهه‌ای بود که اکنون به مرحله عملیاتی رسیده است. این اقدام اگر با نظارت دقیق و حذف کامل روابط رانتی همراه شود، می‌تواند شگاف عمیق میان درآمد و هزینه زندگی کارگران را ترمیم کرده و حس تعلق ملی را در میان ۱۴ میلیون خانوار کارگری تقویت کند. این «عدی» دولت، در واقع سرمایه‌گذاری روی «بهره‌وری ملی» و «عدالت ساختاری» است که نمره آن در سال‌های آتی در خرجه‌های تولیدی کشور نمایان خواهد شد.

شکاف ۳۵ دلاری میان قیمت واقعی و اعلامی نفت

شکاف ۳۵ دلاری میان قیمت واقعی و اعلامی نفت وجود دارد که به نظر می‌رسد جهان به قیمت اشتباهی نفت چشم دوخته است.

به گزارش دبلیو میل: هم‌زمان با ادامه بحران در خاورمیانه و بسته شدن عملآتنگه هرمز، یک رسانه انگلیسی هشدار داده است که نگاه جهان به «قیمت اشتباه نفت» معطوف شده و تصویر واقعی از بحران انرژی در بازارهای جهانی پنهان مانده است.

در حالی که اغلب رسانه‌ها و تحلیل‌گران بر قیمت «معاملات آتی برنت» (Brent Futures) که برای تحویل در ماه‌های آینده تعیین می‌شود تمرکز کرده‌اند، این شاخص واقعیت دردناک بازار کنونی را پنهان می‌کند.

بر اساس داده‌های منتشرشده در روز دوشنبه، شکاف میان قیمت‌های کاغذی و قیمت واقعی نفت به بالاترین حد تاریخی خود رسیده است: قیمت اعلامی (برنت آتی ژوئن)، محدود به ۱۰۲ تا ۱۰۸ دلار به ازای هر بشکه قیمت واقعی (برنت فیزیکی با تاریخ‌دار): معاملات نقدی برای تحویل فوری نفت خام، حق بیمه‌ای بیش از ۲۵ دلار نسبت به قیمت‌های آتی داشته و برخی محموله‌ها با قیمت‌های نزدیک به ۱۴۰ تا ۱۵۰ دلار معامله شده‌اند. «برنت فیزیکی» (Dated Brent) قیمتی است که خریداران مجبورند برای دریافت یک بشکه نفت هم‌امروز و روی یک نفتکش در حال بازرگاری بپردازند. این شاخص، برخلاف فیوچرز، هزینه واقعی «دسترسی فوری» به نفت خام را نشان می‌دهد.

علت اصلی این شکاف بی سابقه را توقف کامل تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز اعلام کرده‌اند. با تمام ذخایر ساحلی که پیش از بحران انباشته شده بودند، باالی‌نگاه‌ها در سراسر جهان، به‌ویژه در آسیا، برای تأمین خوراک مورد نیاز خود با دشواری شدیدی مواجه شده‌اند. تحلیل‌گران آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) نیز هشدار داده‌اند که ادامه این وضعیت، تورم شدیدی را به قیمت تمام‌شده بنزین، پلاستیک و سایر کالاهای اساسی تحمیل خواهد کرد.

این گزارش تأکید می‌کند که در حالی که معامله‌گران مالی همچنان بر کاهش تنش در ماه‌های آینده شرط بسته‌اند، واقعیت تلخ بازار فیزیکی امروز، قیمت‌هایی بالاتر از آن چیزی است که در تیتیر خبرها دیده می‌شود.

■ پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶

■ پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۴۷

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



کریدور ترانزیتی با پاکستان فعال شد؛

ایران قابل محاصره نیست

گزارش

گشایش کریدور ترانزیتی ایران و پاکستان و فعال سازی

آن نشان داد ایران همچنان غیرقابل محاصره است.

فعال‌سازی کریدور ترانزیتی میان ایران و پاکستان را می‌توان یکی از تحولات مهم در معادلات اقتصادی و ژئوپولیتیکی جنوب و غرب آسیا دانست؛ تحولی که در بستر تنش‌های امنیتی منطقه‌ای و محدودیت‌های مسیرهای سنتی ترانزیت، اهمیت دوچندانی یافته است. طی ماه‌های اخیر تشدید ناامنی‌های مرزی میان پاکستان و افغانستان، بخشی از مسیرهای سنتی دسترسی اسلام‌آباد به بازارهای آسیای میانه را مختل کرده و پاکستان را به سمت جستجوی مسیرهای جایگزین سوق داده است. در این شرایط نگاه پاکستانی‌ها پیش از پیش به سمت ایران معطوف شده است؛ کشوری که به دلیل موقعیت

چهارراهی خود در اتصال شرق، غرب، شمال و جنوب همواره نقش کلیدی در شبکه ترانزیت منطقه‌ای داشته است. موقعیتی که حتی با وجود فشارها و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و تلاش آمریکا برای محدودسازی مسیرهای تجاری ایران، قابل حذف یا محاصره نیست و همچنان ظرفیت اثرگذاری در شبکه تجارت منطقه‌ای را حفظ کرده است.

در این راستا جواد هدایتی مدیرکل دفتر ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی سازمان راهداری و حمل‌ونقل و جاده‌ای در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ستیم، فعال‌سازی این کریدور را گامی مهم برای تقویت همکاری‌های اقتصادی و تسهیل جابجایی کالا میان دو کشور توصیف کرد.

وی با اشاره به اینکه پاکستان با جمعیتی حدود ۲۵۵ میلیون نفر یکی از بازارهای مهم منطقه برای صادرات ایران به‌ویژه در حوزه انرژی است، افزود: گاز از مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران به این کشور محسوب می‌شود.

تعطیلی بورس؛ از توقف معاملات تا مسدود شدن کانال تأمین مالی



بنگاه‌ها مختل کرده است. ضمن این که در کنار این محدودیت،

ریسک‌های کلان اقتصادی و فضای جنگ‌نیزمیزد برعلت شده‌است؛

و همین نااطمینانی، فرآیند تأمین مالی را پیچیده‌تر کرده‌است.»

افزایش نرخ تأمین مالی، ضربه‌ای دیگر بر پیگیرنگاه‌ها

این در شرایطی است که افزایش ریسک‌های اقتصادی باعث شده نرخ‌های تأمین مالی وارد فاز رقابتی صعودی شود. در این زمینه کارشناسان معتقدند شرکت‌ها برای جذب نقدینگی ناچار به پیشنهاد نرخ‌های بالاتر هستند، در حالی که پیش‌تر امکان تأمین مالی با نرخ‌های پایین‌تر وجود داشت. این افزایش نرخ، بک‌چالش از یک سو هزینه تأمین مالی را بالا می‌برد و از سوی دیگر، رقابت میان ابزارهای مختلف سرمایه‌گذاری را تشدید می‌کند. در شرایطی که نرخ سود بانکی و بازدهی ابزارهای کم‌ریسک افزایش یافته، سرمایه‌گذاران تمایل بیشتری به گزینه‌های امن دارند و جذابیت اوراق شرکتی کاهش می‌یابد.

فشار بیشتر بر بانک‌ها؛ افزایش هزینه تمام‌شده کالا

افزون بر این، با مسدود شدن کانال بازار سرمایه، فشار تأمین مالی به سمت نظام بانکی منتقل می‌شود؛ سیستمی که خود با کمبود منابع و انباشت مطالبات غیرجاری دست‌وپنجه نرم می‌کند. در همین حال، کشورهای نظیر امارات متحده عربی که یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان با صندوق‌های ثروت ملی بالغ بر دو تریلیون دلار است، از ایالات متحده درخواست کمک مالی کرده‌اند. این کشورها به دلیل آسیب‌های ناشی از حملات موشکی

برای دسترسی پاکستان به آسیای میانه اکنون در دستور کار قرار گرفته است. از سوی دیگر شرایط منطقه‌ای نیز ضرورت توسعه مسیرهای جایگزین برای ایران را افزایش داده بود که در نهایت به فعال‌سازی این دالان ترانزیتی منجر شد.

هدایتی با استناد به اعلام رسمی طرف پاکستانی گفت: وزارت تجارت پاکستان و رئیس کمیسیون اقتصادی مشترک دو کشور اعلام کرد دالان ترانزیتی ۲ کشور فعال شده و دسترسی متقابل به بنادر و مرزهای زمینی برقرار است.

وی تصریح کرد: در ایران پایانه‌های مرزی میرجاوه و ریمدان نقش اصلی را در این تبادلات ایفا می‌کنند. دو کشور هدف گذارهای افزایش تجارت دوجانبه تا سقف ۱۰ میلیارد دلار را پیگیری می‌کنند و بهره‌برداری از ظرفیت ترانزیتی یک‌دیگر بخش مهمی از این برنامه است.

وی با بیان این که سازوکارهای اجرایی این توافق در حال تکمیل است، اضافه کرد: پایانه مرزی میرجاوه یکی از قدیمی‌ترین گذرگاه‌های رسمی ایران است که حدود ۷۰ سال پیش ایجاد شده و طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری قابل توجهی در آن انجام گرفته است. راه‌اندازی سالن مسافری جدید و توسعه زیرساخت‌های ورودی و خروجی از جمله این اقدامات است.

وی بیان کرد: پایانه مرزی ریمدان نیز به‌عنوان مرزی جدید در سال ۱۳۹۹ به صورت سایت موقت راه‌اندازی شد. در ادامه با توجه به ضرورت‌های منطقه‌ای از جمله تردهای مرتبط با ازبکین، بخش مسافری آن نیز احداث شده است. همچنین مسیر سه‌راهی سرباز تا ریمدان توسط سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای در حال بهسازی است. علاوه بر این، طرح جامع این پایانه در

شورای ساماندهی مبادی زمینی کشور تصویب و اخیراً ابلاغ شده و مقدمات اجرای عملیات عمرانی از جمله دیوارکشی

و آن در حال انجام است.

مدیرکل دفتر ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای تأکید کرد: ایران و پاکستان نیازهای اقتصادی و ترانزیتی متقابلی دارند و فعال‌سازی این کریدور می‌تواند به توسعه تجارت، افزایش سرعت جابه‌جایی کالا و تقویت نقش ایران در کریدورهای منطقه‌ای کمک کند؛ مسیری که بر پایه منافع مشترک دو کشور در حال تثبیت است.

شکاف ۳۵ دلاری میان قیمت واقعی و اعلامی نفت وجود دارد که به نظر می‌رسد جهان به قیمت اشتباهی نفت چشم دوخته است.

به گزارش دبلیو میل: هم‌زمان با ادامه بحران در خاورمیانه و بسته شدن عملآتنگه هرمز، یک رسانه انگلیسی هشدار داده است که نگاه جهان به «قیمت اشتباه نفت» معطوف شده و تصویر واقعی از بحران انرژی در بازارهای جهانی پنهان مانده است.

هشدار نسبت به رشد «اشتغال ناقص» در بازار کار

افزایش جمعیت شاغلان ناقص در زمستان ۱۴۰۴، زنگ خطر گسترش فقر نهان در بازار کار را به صدا درآورده است. تازه‌ترین پایش‌های آماری از وضعیت بازار کار در زمستان ۱۴۰۵، پرده از یک چالش جدی اقتصادی برمی‌دارد: افزایش جمعیت شاغلانی که نه بیکارزند و نه از اشتغال کامل بهره‌مند هستند. بر اساس آمارهای رسمی، سهم اشتغال ناقص در زمستان ۱۴۰۴ به ۸٫۲ درصد رسیده است که به معنای گرفتار شدن بیش از ۲ میلیون و ۹۱۷ نفر در تله «کم‌کاری اجباری» است.

رشد صعودی بیکاری نهان

مقایسه آمارها نشان می‌دهد که نرخ اشتغال ناقص نسبت به زمستان سال قبل از آن، ۰٫۵ درصد افزایش یافته است. در حالی که در زمستان ۱۴۰۳ حدود یک میلیون و ۸۷۹ هزار نفر دچار اشتغال ناقص بودند، این رقم در سال ۱۴۰۴ با رشدی محسوس، حکایت از معطلی بخشی از نیروی کار کشور دارد. این عارضه در میان مردان و ساکنان مناطق روستایی نمود بیشتری یافته است که نشان‌دهنده توزیع نامتوازن فرصت‌های شغلی پایدار در کشور است.

اشتغال ناقص: ریشه فقر و فرسایش سرمایه انسانی

اشتغال ناقص زمانی رخ می‌دهد که فرد تمایل و آمادگی برای کار بیشتر دارد، اما بازار کار توان جذب توانمندی او را ندارد. این پدیده عواقب مخربی بر پیگیر اقتصاد و اجتماع دارد:

۱. سقوط قدرت خرید: شاغلین ناقص به دلیل ساعات کاری کم، درآمدی بسیار پایین‌تر از حد اقل دستمزد دارند که آن‌ها را مستقیماً به سمت فقر سوق می‌دهد.
۲. ناپایداری بیمه‌ای: این افراد معمولاً از پوشش بیمه‌ای کامل محروم هستند، موضوعی که آینده معیشتی آن‌ها و پایداری صندوق‌های تأمین اجتماعی را به خطر می‌اندازد.
۳. اتلاف انگیزه و تخصص: بیکاری پنهان باعث می‌شود مهارت‌های نیروی کار به مرور زمان مستهلک شده و انگیزه مولد بودن در جامعه جای خود را به یأس بدهد.

نکنه تکان دهنده در این گزارش، تضاد شدید در ساعات کاری است. در حالی که بیش از ۲ میلیون نفر به دنبال کار بیشتر هستند، ۳۴۹ درصد از شاغلین کشور (بیش از یک‌سوم جمعیت شاغل) بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار می‌کنند. این رقم که فراتر از استانداردهای «کار شایسته» است، نشان می‌دهد که بخشی از جامعه برای جبران هزینه‌های زندگی ناچار به «ارزان‌فروشی جان» و تحمل فشار کاری مضاعف هستند، در حالی که بخش دیگری داشتن حداقل‌های اشتغال محروم مانده‌اند.

عواقب کلان برای اقتصاد ملی

تداوم روند رشد اشتغال ناقص، زنگ خطری برای «بهره‌وری ملی» است. اقتصادی که نتواند از ظرفیت تمام ۲ میلیون نیروی آماده‌به‌کار خود استفاده کند، در مسیر رشد با کندی مواجه خواهد شد. این وضعیت همچنین منجر به بزرگ شدن بخش غیررسمی اقتصاد و کاهش درآمد‌های مالیاتی دولت می‌شود. افزایش نرخ اشتغال ناقص در زمستان ۱۴۰۴، ضرورتی دوچندان برای بازنگری در سیاست‌های اشتغال‌زایی را یادآوری می‌کند. تمرکز خروج از این بن‌بست، دولت و نهادهای متولی باید با برقریز «کار شایسته» و ایجاد امنیت شغلی، فضایی را فراهم کنند تا پتانسیل‌های هدررفته این ۲ میلیون نفر، به جای تبدیل شدن به یک معطل اجتماعی، به بازوی محرک تولید و اقتصاد کشور تبدیل شود. کما اینکه در سیره و مطالبات رهبر فقید انقلاب نیز، کرامت کارگر در گرو اشتغال پایدار و معیشت عزتمندانه بوده است.